



نجات مرد افغان از اعماق چاه، در جدال سه روزه با مرگ؛ خاطره یکی از کارآگاهان جنایی پایتخت است. مرد امانتداری که باربری می‌کرد و به خاطر سه میلیون تومان پولی که داشت، نقشه قتلش کشیده شد. عامل این حادثه، با چاقو به حفیظ حمله کرد و بعد از این که گلو و شکمش را پاره کرد، او را در چاه انداخت.

یک روز در اداره مشغول رسیدگی به پرونده‌ها بودیم که پرونده‌ای درباره ناپدید شدن مرد میانسال ارجاع شد. آن طور که در اظهارات اولیه آمده بود کارگر باربری به نام حفیظ ناپدید شده بود و کسی از او خبری نداشت. به همراه یکی از همکاران به بازاری رفتیم که حفیظ در آنجا مشغول به کار بود و باربری می‌کرد.

حفیظ، کارگر افغان ۵۰ ساله‌ای بود که زندگی اش را با باربری می‌گذراند و همه کسبه بازار نیز از او راضی بودند و قبولش داشتند. تحقیقات نشان می‌داد حفیظ از روز گذشته به صورت مرموزی ناپدید شده و کسی او را ندیده بود. تحقیق برای یافتن مرد میانسال آغاز و در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد حفیظ کسی را در ایران ندارد و مدت هاست که به تنهایی در بازار زندگی می‌کند.

در بررسی‌هایی که صورت گرفت مشخص شد حفیظ سه میلیون تومان پول داشته و تمامی این پول‌ها را با خود همراه داشته است. حفیظ دوست صمیمی‌ای به نام مراد داشت و ما برای تحقیقات سراغ او رفتیم.

نخستین مظنون

در تحقیقات صورت گرفته از مراد به نتیجه نرسیدیم و بررسی‌ها ادامه داشت تا این که یکی از اهالی بازار در تحقیقات گفت: «حفیظ با آن که ایرانی نبود اما مرد خوبی بود و امین اهالی بازار بود. ما اموال و دارایی‌هایمان را می‌دادیم دست حفیظ تا آنها را جا به جا کند. مطمئنم که مراد می‌داند او کجاست چون آخرین بار حفیظ را همراه مراد دیدم.»

جدال با مرگ

تحقیقات برای یافتن مرد میانسال ادامه داشت و از آنجا که هیچ رد و سرخی از حفیظ به دست نیامد، احتمال داده می‌شد که او قربانی جنایتی با انگیزه مالی شده است. بررسی‌ها در این رابطه ادامه داشت تا این که اتفاق تازه‌ای رخ داد. سه روز بعد از حادثه مرد چوپانی با پلیس تماس گرفت و از پیدا شدن مرد افغانستانی داخل چاهی در خارج از شهر تهران خبر داد. با توجه به آن که مشخصات مرد داخل چاه شباهت زیادی با حفیظ داشت همراه اکیپی از ماموران راهی محل حادثه که چاهی در خارج از شهر بود، شدیم. زمانی که به محل رسیدیم ماموران آتش‌نشانی و امداد در حال بیرون آوردن مرد افغانستانی بودند.

نجات از اعماق چاه

با تلاش ماموران آتش‌نشانی بعد از دقایقی مرد میانسال روی برانکارد از چاه بیرون آورده شد. حفیظ مرد ناپدید شده بود که از ناحیه گردن و شکم آسیب دیده بود.

پس از بهبود نسبی؛ حفیظ در رابطه با حادثه گفت: سه روز قبل مراد سراغم آمد و گفت حمل باری را سراغ دارد. می‌گفت بار خارج از تهران است و صاحب این محموله پول خوبی می‌دهد. با این بهانه که معامله خوبی دارد از من خواست پول‌هایم را هم با خودم بیاورم. با مراد به اینجا آمدیم و او در فرصتی مناسب با چوب از پشت سر به من ضربه زد.

او ادامه داد: بعد از آن هم با چاقو به من حمله کرد و گلو و شکم پاره شد.

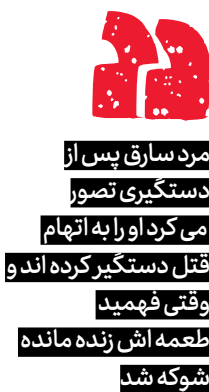
بعد هم مرا داخل چاه انداخت. خون از گلو و شکم می‌آمد و تنها کاری که می‌توانستم انجام دهم جلوگیری از خونریزی بود. اما چیزی نداشتم که بتوانم با آن جلوی خونریزی را بگیرم به همین دلیل با یک دستم روی گلویم را گرفتم و با دست دیگرم شکم را بستم. روز سوم و در نهایت ناامیدی صدایی شنیدم، خوب که دقت کردم متوجه شدم که صدای مرد چوپانی است که گوسفندانش را برای چرا به آن اطراف آورده است. هر چه توان در بدنم مانده بود جمع کردم و با تمام وجود فریاد زدم. هر چند فریاد من تنها ناله‌ای بود که از ته گلویم به گوش می‌رسید اما با ناله‌های من مرد چوپان با خبر شد و نجات پیدا کردم.»

مردی که گلو و شکمش کاملاً پاره شده بود سه شبانه روز در اعماق چاه، بدون آب و غذا و با گرمای جان فرسای تابستان زنده مانده بود. او به خاطر حادثه‌ای که برایش رخ داده بود دیگر نتوانست حرف بزند.

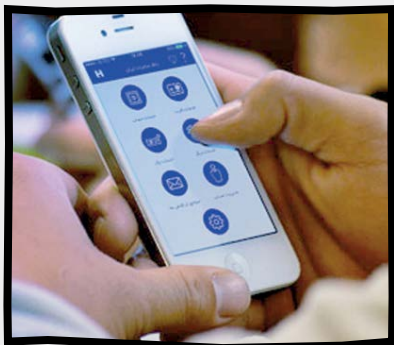
اعتراف به قتل

با پیدا شدن حفیظ در آن وضعیت و صحبت‌هایش در خصوص کاری که صمیمی‌ترین دوستش در حق او انجام داده بود، مراد بازداشت شد. از ابتدا ما به او به عنوان مظنون پرونده مشکوک بودیم و مدارکی هم علیه او در دست بود اما کامل نبود. حتی مراد هم باور نمی‌کرد حفیظ با آن وضعیت زنده مانده باشد.

او گفت: حفیظ مرد تنهایی بود و به من اعتماد زیادی داشت. هر وقت او از پول‌هایش صحبت می‌کرد من و سوسه می‌شدم تا آنها را به دست آورم و برای خودم تجارتی راه اندازی کنم. به همین دلیل روز حادثه او را به بهانه‌ای به خارج از شهر کشاندم و بعد از زدن ضربه به سرش، گلو و شکمش را زخمی کردم و او را داخل چاه انداختم تا جسدش هرگز پیدا نشود. غافل از این که حفیظ از ضربات چاقوی من جان سالم به‌در برد و ماجرا لو رفت. با اعتراف مرد میانسال او به اتهام شروع به قتل بازداشت شد و به صحنه‌سازی جنایتی پرداخت که با نجات قربانی پرونده به سرانجام نرسید. با اعتراف مراد، سه میلیون پولی که از حفیظ به سرقت رفته بود نیز کشف و به او تحویل داده شد.



هشدار هفته



رمز يك بار مصرف استفاده کنید

رئیس پلیس فتای گلستان با اشاره به مزیت‌های رمز يك بار مصرف بانکی گفت: استفاده از رمز دوم يك بار مصرف منجر به کاهش جرایم سایبری مالی به خصوص در بحث برداشت‌های غیر مجاز خواهد شد.

سرهنگ ابراهیم پرسا ادامه داد: جرایم مالی با عنوان برداشت وجه به صورت غیر مجاز از حساب اشخاص دارای بالاترین میزان وقوع است. به طوری که بیش از نیمی از پرونده‌های حوزه فضای مجازی در این بخش هستند.

جرایم برداشت غیر مجاز یا سرقت از حساب‌های بانکی غالباً در سه بستر کپی کردن کارت‌های بانکی، برداشت از طریق کیلاگراها و برداشت‌های فیشینگ انجام می‌شود.

وی تصریح کرد: مهم‌ترین علل وقوع پرونده‌های مالی در پلیس فتا، لو رفتن اطلاعات بانکی، خصوصاً رمز دوم یا رمز اینترنتی افراد است. برآیند تحلیل‌ها و بررسی کارشناسان حوزه امنیت و نهایتاً خروجی هماهنگی صورت گرفته بین بانک مرکزی، قوه قضاییه و پلیس فتا این بوده است که با تخصیص رمز دوم يك بار مصرف بانکی به کاهش جرم در این زمینه کمک خواهد شد و به کاهش وقوع جرم می‌انجامد.

پرسا افزود: بر اساس اعلام بانک مرکزی، ارائه رمز دوم يك بار مصرف توسط تمامی بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری کشور از ابتدای خرداد ماه اجباری است. ارائه خدمت رمز دوم يك بار مصرف به صورت رایگان در قالب نرم افزار جداگانه رمز ساز یا از طریق پیامک برای مشتریان بانکی ارسال می‌شود و مشتریان به منظور فعالسازی رمز دوم يك بار مصرف می‌توانند از طریق مراجعه به شعب، استفاده از همراه بانک و خودپرداز بانک‌ها اقدام کنند.

وی بیان کرد: مهم‌ترین مزیت استفاده از OTP یا رمز يك بار مصرف این است که سرقت اطلاعات با دانستن رمز عبور ناممکن می‌شود که به این معناست تا اگر مجرم سایبری رمز عبور قبلی شما را داشته باشد با توجه به این که رمز باطل شده نمی‌تواند وارد سیستم شود که در نهایت راه اندازی و گسترش استفاده از آن کاهش بسیار زیاد جرایم سایبری مالی به خصوص در بحث برداشت‌های غیر مجاز را به دنبال دارد. در حقیقت در فناوری OTP برای انجام هر تراکنشی يك رمز تصادفی تولید و صرفاً برای يك تراکنش اعتبار دارد.